



بررسی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۴/۱۵)

(مورد مطالعه: شهرستان کرمانشاه سال ۱۳۹۶)

سحر امیری

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

خشونت علیه زن در خانواده متداول ترین شکل خشونت علیه زن است که غالباً توسط نزدیکترین افراد خانواده مانند شوهر به وقوع می پیوندد. خشونت خانگی شایعترین شکل خشونت، همراه با بیشترین احتمال تکرار، کمترین گزارش به پلیس و بیشترین عوارض اجتماعی، روانی و اقتصادی می باشد. شیوع آن در نقاط مختلف دنیا متفاوت است. تخمین زده می شود که خشونت در بیش از نیمی از خانواده ها وجود دارد از هر چهار زن یک نفر در معرض خشونت است. تقریباً یک سوم زنان جهان حداقل یک بار خشونت را تجربه کرده اند. آنچه مسلم است تاثیری که خشونت بر روی زن می گذارد بیش از آنکه جسم زن را بخراسد روح او را جریحه دار کرده و از او موجودی بی اراده و مفعول و منفعل می سازد. سلامت و اعتماد به نفس او را از بین می برد و امید به زندگی را در او کاهش می دهد. هدف این پژوهش بررسی عوامل مؤثر خشونت خانگی علیه زنان می باشد.

رتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: پلیس، بزه دیدگی، آسیب های بزه دیدگی، شهرستان کرمانشاه



بخش اول: کلیات

تا حدود دو دهه‌ی قبل پنداشته می‌شد که خانواده به سبب وجود روابط صمیمی، محبت‌آمیز و عواطف بهترین مکان برای زندگی بزرگسالان و بهترین مکان برای رشد و شکوفایی عاطفی و جسمانی افراد است. با آنکه از وجود بدرفتاری و خشونت در خانواده آگاهی‌هایی به دست آمده بود، جامعه‌شناسان گمان می‌بردند که معدودی از خانواده‌ها، بخصوص آن‌ها که مشکلات مادی دارند و از نظر فرهنگی در سطح پایینی هستند یا آن‌ها که در شرایط بحرانی مانند طلاق و جدایی قرار دارند، به بدرفتاری با اعضای خود دست می‌زنند. اما نتایج تحقیقات مشخص کرد که برخلاف تصورات رایج تنها خانواده‌های مسئله‌دار به خشونت متوسل نمی‌شوند، بلکه خانواده‌هایی که به ظاهر معمولی یا مطلوب هستند هم با اعضای خود بدرفتارند. خانواده نخستین و پایدارترین نهادهای اجتماعی است که هویت انسانی و جامعه‌پذیری فرد در آن شکل می‌گیرد و موجب پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و همچنین انتقال الگوهای روابط و تعامل به سایر نهادهای اجتماعی است. بدون شک، هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده باشد. بنابراین، وجود خشونت در الگوهای خانوادگی موجب ستری آن به جامعه و تداوم الگوها و رفتارهای خشن در مناسبات اجتماعی است. (اعزازی، ۱۳۸۰: ۵۵) بچه‌هایی که مادران آن‌ها مورد آزارهای فیزیکی پدرشان قرار می‌گیرند در معرض خطر بالاتری برای انتقال رفتارهای خشونت‌آمیز به نسل بعدی قرار دارند. شوهرانی که اقدام به کتک‌زدن زنان خود می‌کنند در خانواده‌ی پدری شاهد کتک‌خوردن مادران از پدرانشان بوده‌اند. زن آزاری در طول نسل منتقل می‌شود و نه فقط نسل حاضر بلکه نسل بعدی هم را تهدید می‌کند. سابقه‌ی زد و خورد در والدین (شاهد خشونت والدین بودن در خانواده‌ی مبدأ) بیشتر از مسائل محیطی در مسئله‌ی زن آزاری موثر است. رفتار خشن با زنان در تمام جوامع و کشورها و در همه‌ی سطوح اجتماعی و اقتصادی دیده می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد افرادی که از نظر اقتصادی و اجتماعی در سطوح پایین‌تری هستند در معرض احتمال بیشتر خشونت قرار دارند. مشکلات اقتصادی مهمترین عامل خشونت خانگی است. بر اساس آمارهای جهانی (انجمن روان‌شناسی امریکا، ۱۹۹۶) وسعت مرگ و میر و



ناتوانی ناشی از خشونت در میان زنانی که در سنین باروری هستند، با مرگ و میر و ناتوانی ناشی از سرطان‌ها برابر و از تلفات ناشی از سوانح رانندگی و بیماری‌های عفونی بیشتر است (رئسی، ۱۳۸۱: ۳۲). مسئله‌ی خشونت علیه زنان چنان فراگیر و بدون مرز است که نهادهای جهانی نظیر سازمان ملل متحد و سازمان‌های دفاع از حقوق بشر را واداشته است که در برابر این موضوع واکنش نشان دهند، به طوری که در قطعنامه‌ی کنفرانس حقوق بشر که در سال ۱۹۹۷ در وین برگزار شد، با اشاره به اشکال خشونت اعمال شده علیه زنان در سراسر جهان، بر این نکته تأکید شده است که «باید در نگرش مردان به زنان تغییراتی داده شود و زنان به مردان یاری برسانند که در برداشته‌های خود درباره‌ی زنان تجدیدنظر کنند (کار، ۱۳۸۰: ۱۸). متخصصان آسیب‌های اجتماعی در کشورهای غربی ادعا کرده‌اند که یک سوم تا یک پنجم زنان خانه‌دار مورد خشونت قرار می‌گیرند (سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۷). هر چند داده‌های مستندی برای حمایت این ادعا وجود ندارد، یافته‌های حاصل از مطالعات کانادایی‌ها نشان می‌دهد یک دوم زنانی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند به دست مردانی که آشنای آنان بوده‌اند تحت خشونت قرار گرفته‌اند، و یک ششم کسانی که به تازگی ازدواج کرده‌اند گزارش داده‌اند که مورد خشونت مردان خود قرار گرفته‌اند. یک دوم آنان اظهار داشته که در ازدواج قبلی قربانی خشونت خانگی بوده‌اند. خشونت علیه زنان در تمامی کشورهای جهان وجود دارد و مرزهای فرهنگ، طبقه‌ی اجتماعی، تحصیل، درآمد و قومیت را درنوریده است (نازپرور، ۱۳۸۱: ۴۲). سؤال اساسی این پژوهش آنست که: چه عواملی در بروز خشونت خانگی علیه زنان در شهرستان کرمانشاه مؤثر است؟

بند اول: خشونت و خشونت خانوادگی

«استفاده نابجا، غیرقانونی و تعرض آمیز از قدرت» تعریف می‌کند. «یک نوع آن اجباری غیرقانونی است که علیه آزادی‌ها و حقوق عمومی به کار برده می‌شود و در ارتباط با جرائم خشونت آمیز به جرائمی اشاره دارد که جنبه فیزیکی یا جسمی بی‌نهایت شدیدی دارا باشد و این وصف را به عنوان شخیصت و ساختار محرمان بودن علل فوق‌الذکر، ضروری دانسته است مانند قتل عمد، تجاوز به عنف، کتک زدن و...». (اعظم زاده، ۱۳۸۵: ۴۸)



در تعریفی دیگر از خشونت چنین آمده است: خشونت را می‌توان عملی آسیب‌رسان دانست که فرد برای پیشبرد مقاصد خویش انجام دهد و صرفاً جنبه فیزیکی (برخی افراد، بلکه ممکن است ابعاد روانی؛ فحاشی، تحقیر، مزوی کردن فرد، داد و فریاد، آزار و مزاحمت جنسی و تجاوز)، اقتصادی (شکستن وسایل خانه و...) و سیاسی را به خود بگیرد. (افتخار، ۱۳۸۳: ۶۲)

گلز و استراوس، دو پژوهشگری که سال‌ها در زمینه‌ی خشونت خانوادگی فعالیت کرده‌اند، تعریف از این پدیده ارائه داده‌اند، این دو خشونت را رفتاری با قصد آشکار (یا رفتاری با قصد پوشیده اما قابل درک) برای وارد کردن آسیب‌بدنی به فرد دیگر تعریف کرده‌اند. در این تعریف، خشونت بدنی مدنظر بوده است. مگارژی، محقق دیگری که در زمینه خشونت کار می‌کند معتقد است که تعریف او دربرگیرنده انواع دیگر خشونت (مخصوصاً خشونت روانی) نیز می‌باشد. او از خشونت به عنوان شکل افراطی رفتار پرخاش‌گرانه نام می‌برد که احتمالاً باعث آسیب مشخص به فرد قربانی می‌شود. (آبوت، ۱۳۸۰: ۹۵)

بررسی خشونت از ساده‌ترین و آشکارترین شکل آن، یعنی خشونت جسمانی (بدنی) نسبت به کودکان آغاز شد. در این بررسی‌ها مشخص شد که باید میان دو نوع خشونت بدنی تفاوت گذاشت. خشونت بدنی سنگین (سخت) که منجر به ایجاد جراحات و صدمات جدی به قربانی می‌شد و به صورت معمول از طرف افکار عمومی نفی می‌گردد و خشونت سبک (ملایم) مانند سیلی، پشت دستی و نظایر آن که به صورت معمول در افکار عمومی زیر عنوان تربیت رده‌بندی می‌شود و نگرش منفی نسبت به آن وجود ندارد. (آقایگلویی، ۱۳۸۳: ۱۵)

خانم رادهیکا کوما که به عنوان رابط مخصوص کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۹۴ میلادی می‌باشد، خشونت را به صورت «خشونت جسمی، جنسی و روانی که در خانواده رخ می‌دهد»، توصیف می‌کند اما آن را محدود به موارد یاد شده نمی‌داند بلکه، ضرب و شتم، سوء استفاده جنسی از دختر بچه‌ها در محیط خانواده، خشونت مربوط به جهیزیه و مهریه، تجاوز زناشویی، ختنه زنانه و سایر اعمال سستی آزاردهنده زنان، خشونت غیرهمسر و خشونت وابسته به استثمار را نیز شامل می‌شود. (درویش پور، ۱۳۷۸: ۴۴)



گیدنز، خشونت خانوادگی را تجاوز فیزیکی که توسط یک عضو خانواده علیه عضو یا اعضای دیگر صورت می‌گیرد تعریف کرده‌است. (گرت، ۱۳۸۰: ۱۲۵)

بند دوم: طبقه بندی رفتاری انواع خشونت های خانوادگی

الف) خشونت جنسی: این نوع خشونت ممکن است در حیطه زندگی خصوصی، زناشویی و خانوادگی، اتفاق بیفتد و به صورت الزام به تمکین از شوهر یا رابطه محارم با یکدیگر در حلقه خویشاوندی علیه زن اعمال گردد. در واقع باید رفتاری جسمی و روانی اتفاق می‌افتد. در حقیقت آزار جنسی همراه با اجبار کمتر از آزار جسمی معمول است. بنابراین بد رفتاری جنسی همراه با اجبار یک الگوی غیر متعارف بوده و تغییر آن مشکل است. آزار روانی به شکل تهدید و انتقاد از روش رابطه جنسی همسر بیشتر متداول است (علیوردی‌نیا، ۱۳۹۰: ۷۲) تحلیل فمینیستی ثابت می‌کند که تجاوز جنسی نتیجه‌ی منطقی تبعیض جنسی است. تجاوز جنسی یکی از موزیانه‌ترین اشکال فشار اجتماعی است. زیرا مدام به زنان موقعیت آسیب پذیرشان را یاد آوری می‌کنند. زنان ترجیح می‌دهند برای حفظ حرمت خود از این گونه موارد حرفی به میان نیاورند که این امر موجب از بین رفتن اعتماد به نفس، گوشه‌گیری از اجتماع و ایجاد روح بدبینی در زن می‌شود. (عارفی، ۱۳۸۲: ۴۳)

ب) خشونت جسمی: این نوع خشونت به شیوه‌های گوناگون مانند کتک خوردن، شکنجه و قتل را در بر می‌گیرد یا از لمس کردن بدن زن شروع شده تا مرحله تجاوز جنسی، جسم زن را مورد آزار قرار می‌دهد. در واقع نوعی اقدام فیزیکی برای آسیب رساندن، ترساندن یا کنترل کردن روی همسر برای مثال سیلی زدن، ضرب و شتم، پرتاب کردن اشیاء به سمت همسر و سوزاندن اندامها و... (اعزازی، ۱۳۷۹: ۲۸)

ج) خشونت روانی: رفتار خشونت آمیزی که شرافت، آبرو و اعتماد به نفس زن را خدشه دار می‌کند. این رفتار به صورت انتقاد ناروا، تحقیر، بد دهانی، تمسخر، توهین، فحاشی، متلک، تهدیدهای مداوم به طلاق دادن، یا از ازدواج مجدد کردن اعمال می‌شود. (بات، ۱۳۷۳: ۱۱۴)

د) خشونت مالی: در بسیاری از نقاط جهان، زنان به نیروی کار بی‌جیره و موجب هستند و چنانچه مردان خانواده نخواهند از خود سخاوتی نشان دهند، ادامه زندگی زنان به مخاطره می‌افتد.



افتد. گاه دچار سوء تغذیه می شوند و گاه حتی به ابتدائی ترین ضروریات زندگی دسترسی ندارند. افراد ذکور خانواده گاهی حتی زنان را از درآمد یا ارث خود محروم می کنند. نمونه های این نوع خشونت ندادن خرجی یا سوء استفاده های مالی از زن، کنترل دائمی مخارج زن و پنهان کردن میزان درآمد خود. (بستان، ۱۳۸۲: ۹۰)

ر) خشونت سیاسی: با عملکرد اهرم های قدرت رسمی یعنی دولت علیه زنان اعمال می شود. این نوع خشونت به صورت غفلت از حقوق انسانی زنان در قانون گذاری انعکاس می یابد و به صورت عدم پشتیبانی از برابری حقوق زن و مرد در سیاست گذاری ظاهر می شود. که ناشی از عملکرد فرهنگی دولت است و به استناد برداشتهای خاصی از دین و هنجارهای اجتماعی تقویت شده و گسترش یافته است (کار، ۱۳۸۰: ۱۰۶)

ز) خشونت اجتماعی: ممنوعیت ملاقات با دوستان و خویشاوندان، حبس کردن زن در خانه، قطع کردن تلفن و... (محبی، ۱۳۸۰: ۳۸)

ط) مسامحه یا غفلت: کوتاهی در برآوردن نیازهای فیزیولوژیک مانند سرپناه، امنیت، فراموش کردن زمان ها و رفتارهایی که برای همسر اهمیت دارد مثل سالگرد ازدواج، تولد و... (آقایگلویی، ۱۳۷۹: ۸۱).

ظ) همسر آزاری: عمدتاً رویدادی مردانه است و به صورت زن آزاری بروز می کند. برخی عواملی که موجب زن آزاری توسط مردان می شود عبارتند از:

- ۱- اعتقاد به اقتدار مردانه؛
- ۲- ناتوانی نسبی اقتصادی زن؛
- ۳- اعتقاد به اینکه نقش زن فقط خانه داری است؛
- ۴- خود پنداره منفی زنان؛
- ۵- اعتقاد به اینکه زن مانند کودک است؛
- ۶- اعتقاد به اینکه نظام قضایی جانب مردان را بگیرد.
- ۷- همسرکشی آخرین حد همسر آزاری است و رویدادی است که در آن زن و بیشتر از مرد، همسر و شریک زندگی خود را به هر دلیل به قتل می رساند. وبه شیوه های ضربه



زدن، پرت کردن، آتش زدن، دار زدن، مسموم کردن و خفه کردن روی داده است. خشونت مردان عمدتاً تهاجمی و خشونت زنان اصلاً دفاعی است (شمس اسفندآبادی، ۱۳۸۶: ۱۴۴).

بند سوم: علل و عوامل خشونت علیه زنان

علل خشونت را می‌توان در سه دسته فردی، تعامل بین فردی و اجتماعی محدود کرد. علل فردی در جنبه‌های زیستی و روان‌شناختی، علل تعامل میان فردی در جنبه‌هایی مانند جنسیت، اقتدارگرایی در خانواده، یادگیری اجتماعی و مشکلات ارتباطی و علل اجتماعی در جنبه‌های اقتصادی و فرهنگی مورد بحث قرار گرفت.

الف: علل فردی

۱- جنبه‌های زیستی: اولین تبیین به مسائل زیستی انسان و تفاوت زن و مرد از این بعد مربوط می‌شود. برخی فمینیست‌های رادیکال ادعا کرده‌اند که نیروی بدنی مردان سبب بروز خشونت نسبت به زنان می‌شود. عامل زیستی دیگر، هورمون مردانه، یعنی تستوسترون است که روان‌شناسان آن را عامل موثری در رفتار پرخاشگرانه مردان دانسته‌اند. تحقیقاتی توسط استانک (۲۰۰۱) نشان داد که سطح بالای آن با میزان پرخاشگری در مردان رابطه مثبت دارد. و میزان پرخاشگری در زنان رابطه منفی دارد. (محمدی اصل، ۱۳۸۸: ۷۲)

۲- عوامل روان‌شناختی: رویکرد روان‌شناختی، منبع خشونت خانوادگی را در شخصیت یا اختلالات روانی جستجو می‌کند. در تحقیقی توسط اسفندآباد (۱۳۸۵) و پژوهش دیگر توسط زنگنه و احمدی (۱۳۸۳) بیان شد که میزان همسرآزاری در شوهرانی که سابقه بیماری روانی دارند بیشتر از شوهران سالم است (باهری، ۱۳۹۱: ۶۵).

۳- ناکامی: در شرایطی روی می‌دهد که موانع، فرد را از نیل به هدف باز می‌دارد و او را در انجام رفتاری ناتوان می‌کند. در پدیده خشونت خانگی ناکامیهای مرد، بیشتر ریشه در عوامل اقتصادی، تامین نشدن نیازهای عاطفی مرد در خانواده، ناکامی جنسی در اثر بی‌اعتنایی زن، شرایط اجتماعی و ابعاد شناختی مرد بررسی کرد (توکلی، ۱۳۸۲: ۶۷)



۴- ضعف اخلاقی: عدم پابندی مرد به اخلاق مهم ترین عامل بروز خشونت خانوادگی از دیدگاه اسلام است. در پژوهش‌های مربوط به خشونت علیه زنان نیز مشکلات اخلاقی مرد به عنوان یکی از عوامل این پدیده بیان شده است (ساعتچی، ۱۳۷۷: ۱۲۸)

۵- عدم پابندی زوجین به اعتقادات دینی: در خانواده‌هایی که پابندی خاصی به ارزشهای مذهبی و اصول آن دارند. گرایش به پرخاش و خشونت کمتر است. همسرآزاری نیز در این خانواده‌ها کمتر به چشم می‌خورد. چون براساس نظریه خرده فرهنگ خشونت، هر فرهنگی دارای عناصر خاصی است که شامل (ارزش‌ها، هنجارها، نگرش و اعتقادات) که ممکن است خشونت مردان را کاهش یا افزایش دهد. (عارفی، ۱۳۸۲: ۸۹)

۶- الکل و مصرف مواد مخدر: در الگوی استارت، سوء مصرف مواد به عنوان متغیری بین تکانش‌گری و خشونت در نظر گرفته شده است. پژوهش‌های متعدد در ایران از جمله اسفندآباد (۱۳۸۵) و زنگنه و احمدی (۱۳۸۳) بیان می‌کند که همسرآزاری جسمی - روانی در شوهرانی که الکل یا مواد مخدر مصرف می‌کنند بیشتر از آنانی است که مصرف نمی‌کنند. یافته‌های پژوهش دیگری میزان ۱/۴۰ درصد مصرف الکل و ۱/۴۲ درصد اعتیاد به مواد مخدر را خشونت علیه زنان موثر می‌داند. در واقع ۱۴ درصد انحرافات رفتاری شوهر از جمله اعتیاد علل خشونت است (آقابیکلویی، ۱۳۷۹: ۹۰).

۷- متغیر سن: تفاوت سنی زن و شوهر از عوامل فردی موثر در بروز خشونت خانگی است. پژوهش‌های متعدد نشانگر آن است که افزایش سن، رابطه منفی با درجات خشونت زناشویی دارد. گافمن در بررسی ۲۰۰۰ زوج به این نتیجه رسید که سن به طور معنا داری جزء عوامل موثر بر خشونت شوهر است و هرچه سن افزایش یابد، احتمال بروز خشونت کاهش می‌یابد. چون با افزایش سن وجود خشونت و رفتار شوهر برای زن عادی شده و آن را می‌پذیرد و همین پذیرش آن در بروز خشونت از طرف مرد تاثیر دارد و موجب کاهش آن می‌شود. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که بیشترین تعداد قربانیان خشونت را زنانی تشکیل می‌دهند که در دامنه سنی ۲۵-۲۹ سال قرار دارند. (عزیزیان، ۱۳۸۰: ۳۸)



۸- هوش و تحصیلات: خانواده‌های تحصیل کرده با آگاهی یافتن بر راه‌های کنار آمدن با تعارض‌ها در روابط نزدیک، خشونت در خانواده را کمتر کرده و از شیوه‌های معنوی برای حل مسئله کمک می‌گیرند. یافته‌های پژوهش اسفندآباد (۱۳۸۵) بیانگر آن است که همسرآزاری با سطح تحصیلات زوج‌ها رابطه معکوس دارد به طوری که زنان دارای تحصیلات بالاتر کمتر از زنان دارای تحصیلات پایین‌تر مورد همسرآزاری قرار می‌گیرند. (گرت، ۱۳۸۰: ۶۲)

ب: علل ارتباطی بین فردی در ایجاد خشونت

چون پدیده خشونت امری ارتباطی می‌باشد، بهتر است که واحد تحلیل به جای افراد، روی تعامل‌های میان آنها از جمله تعامل زن و شوهر قرار گیرد.

۱- جنسیت: فمینیستها، ریشه‌های خشونت نسبت به زنان را در روحیات جنس مرد و نقش‌های مردانه جستجو می‌کنند. خشن بودن جنس مرد به عنوان الگوی مطلوبی در بسیاری از جوامع پذیرفته شده است. همچنین ایزاری برای کنترل رفتار جنس مونث و ایجاد تبعیت و وابستگی زنان است

۲- یادگیری: پژوهشگران بسیاری، نقش آموزش الگوهای خانواده از خانواده را تایید کرده‌اند و کودکان نقش‌های همسری و والدین را با مشاهده می‌آموزند، از جمله می‌فهمند که بدرفتاری و خشونت امر بهنجار است. همچنین مردانی که در کودکی مورد خشونت و سرزنش والدین قرار گرفته‌اند، احتمال بیشتر دارد که با همسران خود بدرفتاری کنند.

۳- نوع ازدواج: اجباری بودن ازدواج و تعدد زوجات از عوامل موثر در بروز خشونت خانگی علیه زنان در ایران است (سالاری فر، ۱۳۸۸: ۲۳). طاهری (۱۳۷۸)، حدود ۲۰ درصد زنان دارای هوو می‌باشند که پدیده دو همسری یکی از عوامل اصلی بروز خشونت بر ضد زنان است. ازدواج اجباری سازگاری زن و شوهر را دشوار می‌کند و میزان رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که آنهایی که آشنایی قبل از ازدواج داشته‌اند ۶/۸۱ درصدشان این نوع مشکلات را کم‌اهمیت دانسته‌اند، یعنی نبود امر اجبار در انتخاب همسر مساله‌ای مهمی در جلوگیری از بروز خشونت علیه زنان است. (آقایگلویی، ۱۳۷۹: ۸۷).



۴- دخالت اطرافیان: وضعیت فرهنگی اجتماعی برخی کشورها، از جمله ایران به گونه ای است که بین خانواده اصلی و خانواده های تابعه وابستگی زیادی وجود دارد. که گاه دخالت‌های بی جای آنها باعث مشکلات خانوادگی می شود. بسیاری از مشاوران در ایران پس از ترسیم چرخه خشونت متوجه شدند که خشونت بعد از بازگشت شوهر از خانه خویشان صورت می گیرد. اما نوع رفتار زن نیز عامل مهمی در دخالت خانواده شوهر است (لهسایی زاده، ۱۳۸۹: ۷۵)

۵- مشکلات ارتباطی: محمدخانی (۱۳۸۵) در پژوهش خود درباره نیمرخ مرتکبان خشونت پس از بررسی عوامل عبارتند از: مدیریت خشم، سابقه بزهکاری، تعارض، مشکلات ارتباطی، خصومت جنسی، حسادت، آشفتگی ارتباطی، سابقه آزاری جنسی و کنترل خود و اجتماعی شدن (همان منبع، ۷۶).

ج: علل اجتماعی - اقتصادی

نگاه یک فرهنگ به خانواده، زن و خشونت، ساختار اجتماعی و قوانین حاکم بر یک جامعه، وضعیت اقتصادی و عقاید و باورهای مردم، از اموری است که در سطح کلان می تواند به تبیین خشونت خانگی کمک کند.

۱- زمینه های اقتصادی: یکی از عوامل موثر بر خشونت خانگی مردان، اموری مانند نوع شغل، بیکاری، وضعیت اقتصادی خانواده و شغل زن است. بیکاری و مشکلات اقتصادی همراه آن عامل مهمی در بروز تنشهای خانوادگی و خشونت های ناشی از آن است. معمولا افراد بیکار با احتمال بیشتری اقدام به خشونت علیه زنان می کنند. افراد شاغل چون دارای اعتماد به نفس بالاتری هستند، رفتار خشونت آمیز کمتری دارند (سالاری فر، ۱۳۸۸: ۲۵).

بسیاری از پژوهش ها در ایران این مسئله را اثبات کرده اند که بیکاری و نداشتن درآمد مناسب عامل مهمی در بروز خشونت در خانواده و پیامد آن ممکن است، طلاق باشد. (کلامی، ۱۳۷۸: ۵۰)

۲- وضعیت اقتصادی زنان: یکی از عوامل ساختاری موثر بر آسیب پذیری زنان فرآیند به حاشیه رانده شدن او در تقسیم کار اجتماعی و عدم دسترسی یکسان وی با مرد به منابع ثروت



می باشد و همین واقعیت یکی از مهم ترین عوامل ضعف و بی قدرتی زن است. تقسیم کار و تقسیم نقش اجتماعی- اقتصادی باعث شد تا زن از نظر مالکیت و تولید به مرد وابسته شود و به دنبال آن انواع وابستگی های فکری و روانی، مردان پدید آمد. در این شرایط خشونت امر موجهی برای مهار زنان است. این نگاه ریشه در رویکرد فمینیسم چپ مارکسیستی دارد که بر نابرابری زنان در مناسبات تولید تاکید می کند و ریشه خشونت را در توان اقتصادی می داند که در اختیار مردان است. به نظر می رسد که اشتغال زن و توانایی اقتصادی او بیشتر در پیشگیری از استقرار خشونت نسبت به وی موثر است. (نازپرور، ۱۳۷۶: ۴۲)

۳- عوامل فرهنگی: تقدس خانواده و نگهداری اطلاعات مربوط به آن در چهار دیواری خانه، خصوصی بودن فضای خانواده را در عرصه عمومی و خصوصی بیان می کند که اساس نظریه پنهان کاری تشکیل می دهد که از علت های استقرار خشونت علیه زنان می باشد. عامل فرهنگی دیگر، پذیرش و مشروعیت اعمال خشونت نسبت به زن در خانواده در بسیاری از جوامع است. قرن ها کتک زدن زنان و کودکان از عناصر ضروری نظام خانواده مردسالاری محسوب می شده است. برای تنبیه و ضربه شتم زن توسط شوهر، مجوزهای فرهنگی وجود دارد که در میراث فرهنگی مختلف گذشته یافت می شوند. (محمدی، ۱۳۹۱: ۳۳)

۴- عوامل سیاسی: تحلیل های ساختاری خشونت نسبت به زنان به بررسی مناسبات قدرت می پردازد که نتیجه اش شکل گیری پدرسالاری سیاسی، دولت های مرد سالار، رجال سیاسی، نقش های درجه چندان اجتماعی و منزلتی برای زنان و موقعیت های پایین اجتماعی، مدیریتی، اداری برای آنان بوده است. دیدگاه فمینیستی، خشونت مردان را انعکاس نظامی از حاکمیت مردان جامعه بر زنان می داند. در مجموع نگاه سیاسی به خشونت علیه زنان عمدتاً به حاکمیت مردانه در بیشتر نهادهای اجتماعی برمی گردد. (محبی، ۱۳۸۰: ۹۳)

۵- عوامل حقوقی: یکی از مهم ترین عوامل خشونت، پذیرش قانونی خشونت خانگی و خصوصی دانستن نزاع های خانوادگی است. ابهام در تعریف خشونت خانگی، وجود قوانین تبعیض آمیزی که به مرد اجازه می دهد در روابط خود با همسر از هر شیوه نامطلوبی استفاده کند، مسئله دیگر، استمرار خشونت خانگی نسبت به زنان و نارسایی قوانین در اثبات جرم در



محدوده ی پنهان خانه است . بی رغبتی نیروی انتظامی به پیگیری موارد خشونت خانگی، ضعف اطلاعات زنان در مورد حقوق خود و راه های دفاع از آن، باعث پذیرش آن می شود. (معینی، ۱۳۸۹: ۴۰)

۶- ساختار جامعه و توزیع نابرابری قدرت: نگاهش بیشتر متوجه دیدگاه فمینیستی می کند که متوجه ساختار مرد سالارانه جامعه و شرایط حاکم بر آن می کند، طبق ساختار و فرهنگ مرد سالارانه خشونت زنان را در مرتبه فرودست نگه می دارد و عاملی که در واقع باعث حفظ و نگهداری روابط نابرابر قدرت در میان زوجین می شود. این موضوع را می توان در تحلیل محاصبه های انجام شده توسط شیرازی و یزد خواستی تحت عنوان ارزش های پدر سالاری و خشونت علیه زنان مشاهده کرد که علل اختلاف و خشونت ریشه واحدی دارد که بر وجود الگوهای زن ستیزانه دلالت دارد و در واقع با فرضیه های تئوری های فمینیستی هماهنگی دارد. (نازپرور، ۱۳۷۶: ۴۹)

بخش دوم: روش شناسی پژوهش

گرچه در هر پژوهش خاصی می توان مجموعه ای از روش ها را به کار برد اما روش مورد استفاده ما در این پژوهش روش پیمایشی است. ضمن اینکه از روش اسنادی و کتابخانه ای هم استفاده شده اما روش اصلی غالب، پیمایشی است که متداول ترین روش در پژوهش های کمی است. شیوه گردآوری داده ها و روش تحلیل آنها از ویژگی های بارز پیمایش هستند. این پژوهش از لحاظ هدف به دلیل پاسخگویی و ارائه راهکارهایی برای یک مسئله یا مشکل اجتماعی، یک پژوهش کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده ها یک پژوهش پیمایشی می باشد که جهت تدوین مبانی نظری پژوهش از روش اسنادی و کتابخانه ای و جهت گردآوری داده های میدانی و تحقیق از افراد در جامعه آماری و نمونه از پرسشنامه استفاده گردیده است. جامعه آماری این تحقیق شامل زنان مورد خشونت واقع شده مراجعه کننده به دادگاه شهرستان شهر کرمانشاه می باشد. حجم نمونه در این پژوهش برابر با ۱۰۰ نفر می باشد. روش نمونه گیری در این پژوهش روش نمونه گیری در دسترس می باشد. اگر پژوهشگر نتواند نمونه گیری تصادفی انجام دهد و یا به سرعت به اطلاعات مورد نظر نیاز داشته باشد از



نمونه گیری در دسترس یا اتفاقی که به آن نمونه گیری اقتضایی نیز گفته می شود استفاده می کند یعنی در این روش پژوهشگر به آزمودنی هایی نیاز دارد که به سرعت در دسترس باشد. و آمادگی پاسخ به پرسش را داشته باشد. هر چند شیوه های نمونه گیری احتمالی نظیر نمونه گیری سیستماتیک نسبت به شیوه سهمیه ای از لحاظ آماری ارجحیت دارند ولی نوع پژوهش فوق منجر به استفاده از این شیوه نمونه گیری در تحقیق شده است. اصلی ترین ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه بوده و در کنار آن جهت تدوین مبانی نظری پژوهش از روش کتابخانه ای (منابع مکتوب، فیش برداری، اینترنت، بانک های اطلاعاتی و...) نیز بهره گرفته ایم. اطلاعات جمع آوری شده و داده های مورد نظر در ارتباط با موضوع پژوهش با روشهای خاص آماری مورد تحلیل قرار می شود تا از نتایج حاصله بهره برداری لازم صورت گیرد. بنابراین پژوهش حاضر داده های حاصله را از طریق آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. ابزار تجزیه و تحلیل اطلاعات پرسشنامه ای این پژوهش نرم افزار آماری SPSS ۲۵ می باشد.

بند اول: بررسی و شناخت ماهیتی موضوع

- اختلاف سنی زیاد زوجین عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد.
- بیکاری همسر عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد.
- وجود اختلاف طبقاتی عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد.
- دخالت سایرین عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد.
- داشتن سوء ظن عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد.
- نارضایتی در ارتباط جنسی عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد.
- وضعیت اقتصادی عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد.
- داشتن فرزند از یک جنس عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد.
- بیماری جسمی در زن عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد.
- نامناسب بودن شغل همسر عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد.
- اعتیاد همسر عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد.

بند دوم : یافته های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

فراوانی بر حسب سن

درصد	فراوانی	
۶۶	۶۶	۲۰ تا ۳۰ سال
۲۵	۲۵	۳۱ تا ۴۰ سال
۹	۹	بیشتر از ۴۰ سال
۱۰۰	۱۰۰	کل

۳۱.۸۷	میانگین سن
۴.۲۵	انحراف معیار

فراوانی بر حسب میزان تحصیلات زنان

درصد	فراوانی	
۸۳	۸۳	دیپلم و پایین تر
۱۲	۱۲	فوق دیپلم
۴	۴	لیسانس
**	**	فوق لیسانس و بالاتر
۱۰۰	۱۰۰	کل

فراوانی بر حسب تعداد فرزندان

درصد	فراوانی	
۲۵	۲۵	بدون فرزند
۲۳	۲۳	۱ فرزند
۳۲	۳۲	۲ فرزند





۱۸	۱۸	۳ فرزند
۲	۲	بیشتر از ۳ فرزند
۱۰۰	۱۰۰	کل

فراوانی بر حسب شغل زنان

درصد	فراوانی	
۲	۲	کارمند
۹۱	۹۱	خانه‌دار
۷	۷	سایر
۱۰۰	۱۰۰	کل

فراوانی بر حسب شغل همسر

درصد	فراوانی	
۸	۸	کارمند
۲۱	۲۱	بیکار
۴۰	۴۰	آزاد
۲۱	۲۱	کارگر
۱۰	۱۰	سایر

فراوانی بر حسب میزان تحصیلات همسر

درصد	فراوانی	
۷۹	۷۹	دیپلم و پایین تر
۱۰	۱۰	فوق دیپلم
۱۱	۱۱	لیسانس
**	**	فوق لیسانس و بالاتر
۱۰۰	۱۰۰	کل

فراوانی بر حسب میزان درآمد همسر

درصد	فراوانی	
۵۵	۵۵	کمتر از یک میلیون تومان
۴۱	۴۱	۱ تا ۲ میلیون تومان
۴	۴	بیشتر از ۲ میلیون تومان
۱۰۰	۱۰۰	کل

فراوانی بر حسب نوع سکونت

درصد	فراوانی	
۳۲	۳۲	منزل شخصی
۵۴	۵۴	زندگی با پدر و مادر همسر
۱۴	۱۴	سایر
۱۰۰	۱۰۰	کل

ب) یافته های استنباطی

آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش

سطح معناداری آزمون کولموگروف اسمیرنوف	متغیر
۰.۵۲	عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان

این آزمون به مقایسه تابع توزیع تجمعی مشاهده شده با تابع توزیع تجمعی نظری (مورد انتظار) در یک متغیر رتبه ای می پردازد. به عبارتی در این آزمون، توزیع یک صفت در یک نمونه با توزیعی که برای آن در جامعه مفروض است مقایسه می شود. چنانچه سطح معناداری در این آزمون از ۰/۰۵ بزرگتر باشد می توان استنباط نمود که توزیع نرمال است. و می توان در این پژوهش از آزمون های پارامتریک استفاده شود. با توجه به آزمون فوق و سطح معناداری





همه متغیرها که بیشتر از ۰/۰۵ است، می توان استنباط نمود که: که همه متغیرها از توزیع نرمال پیروی می کنند.

آزمون کی دو تک نمونه ای برای بررسی فرضیه ۱:

اختلاف سنی زیاد زوجین عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد

پراکندگی پاسخ ها	فراوانی مشاهده	سطح معناداری
پاسخ های موافق (p)	۷۳	۰/۰۳
پاسخ های مخالف (q)	۲۷	

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۱ می باشد و این مقدار از سطح معناداری ۰/۰۵ کوچکتر است پس فرضیه فوق تایید می شود و می توان نتیجه گرفت که: از دیدگاه بیش از نیمی از جامعه آماری اختلاف سنی زیاد زوجین عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد. و با توجه به فراوانی مشاهده شده و درصد های بدست آمده در این آزمون نیز می توان چنین استنباط نمود که ۷۳ درصد از پاسخگویان موافقت خود را با سؤال فوق مطرح نموده و تنها ۲۷ درصد مخالف آن بوده اند.

آزمون کی دو تک نمونه ای برای بررسی فرضیه ۲:

بیکاری همسر عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد

پراکندگی پاسخ ها	فراوانی مشاهده	سطح معناداری
پاسخ های موافق (p)	۸۱	۰/۰۱
پاسخ های مخالف (q)	۱۹	

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۱ می باشد و این مقدار از سطح معناداری ۰/۰۵ کوچکتر است پس فرضیه فوق تایید می شود و می توان نتیجه گرفت که: از دیدگاه بیش از نیمی از جامعه آماری بیکاری همسر عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد. و با توجه به فراوانی مشاهده شده و درصد های بدست آمده در این آزمون نیز می



توان چنین استنباط نمود که ۸۱ درصد از پاسخگویان موافقت خود را با سؤال فوق مطرح نموده و تنها ۱۹ درصد مخالف آن بوده اند.

آزمون کی دو تک نمونه ای برای بررسی فرضیه ۳:

وجود اختلاف طبقاتی عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد

پراکندگی پاسخ ها	فراوانی	مشاهده	سطح معناداری
پاسخ های موافق (p)	۷۴		۰/۰۲
پاسخ های مخالف (q)	۲۶		

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۱ می باشد و این مقدار از سطح معناداری ۰/۰۵ کوچکتر است پس فرضیه فوق تایید می شود و می توان نتیجه گرفت که: از دیدگاه بیش از نیمی از جامعه آماری وجود اختلاف طبقاتی عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد. و با توجه به فراوانی مشاهده شده و درصد های بدست آمده در این آزمون نیز می توان چنین استنباط نمود که ۷۴ درصد از پاسخگویان موافقت خود را با سؤال فوق مطرح نموده و تنها ۲۶ درصد مخالف آن بوده اند.

آزمون کی دو تک نمونه ای برای بررسی فرضیه ۴:

دخالت سایرین عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد

پراکندگی پاسخ ها	فراوانی	مشاهده	سطح معناداری
پاسخ های موافق (p)	۷۹		۰/۰۲
پاسخ های مخالف (q)	۲۱		

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری برابر با ۰/۱۲ می باشد و این مقدار از سطح معناداری ۰/۰۵ بزرگتر است پس فرضیه فوق رد می شود و می توان نتیجه گرفت که: از دیدگاه بیش از نیمی از جامعه آماری دخالت سایرین عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد. و با توجه به فراوانی مشاهده شده و درصد های بدست آمده در این آزمون نیز می



توان چنین استنباط نمود که ۷۹ درصد از پاسخگویان موافقت خود را با سؤال فوق مطرح نموده و ۲۱ درصد مخالف آن بوده اند.

آزمون کی دو تک نمونه ای برای بررسی فرضیه ۵:

داشتن سوء ظن عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد

پراکندگی پاسخ ها	فراوانی مشاهده	سطح معناداری
پاسخ های موافق (p)	۵۸	۰/۰۴
پاسخ های مخالف (q)	۴۲	

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری برابر با ۰/۰۴ می باشد و این مقدار از سطح معناداری ۰/۰۵ کوچکتر است پس فرضیه فوق تایید می شود و می توان نتیجه گرفت که: از دیدگاه بیش از نیمی از جامعه آماری داشتن سوء ظن عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد. و با توجه به فراوانی مشاهده شده و درصد های بدست آمده در این آزمون نیز می توان چنین استنباط نمود که ۵۸ درصد از پاسخگویان موافقت خود را با سؤال فوق مطرح نموده و ۴۲ درصد مخالف آن بوده اند.

آزمون کی دو تک نمونه ای برای بررسی فرضیه ۶:

نارضایتی در ارتباط جنسی عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد

پراکندگی پاسخ ها	فراوانی مشاهده	سطح معناداری
پاسخ های موافق (p)	۶۱	۰/۰۴
پاسخ های مخالف (q)	۳۹	

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۱ می باشد و این مقدار از سطح معناداری ۰/۰۵ کوچکتر است پس فرضیه فوق تایید می شود و می توان نتیجه گرفت که: از دیدگاه بیش از نیمی از جامعه آماری نارضایتی در ارتباط جنسی عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد. و با توجه به فراوانی مشاهده شده و درصد های بدست آمده در



این آزمون نیز می‌توان چنین استنباط نمود که ۶۹ درصد از پاسخگویان موافقت خود را با سؤال فوق مطرح نموده و تنها ۳۱ درصد مخالف آن بوده‌اند. آزمون کی دو تک نمونه‌ای برای بررسی فرضیه ۷: وضعیت اقتصادی عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می‌باشد

پراکندگی پاسخ‌ها	فراوانی مشاهده	سطح معناداری
پاسخ‌های موافق (p)	۹۸	۰/۰۰۰۱
پاسخ‌های مخالف (q)	۲	

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰۱ می‌باشد و این مقدار از سطح معناداری ۰/۰۵ کوچکتر است پس فرضیه فوق تایید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که: از دیدگاه بیش از نیمی از جامعه آماری وضعیت اقتصادی عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می‌باشد. و با توجه به فراوانی مشاهده شده و درصد‌های بدست آمده در این آزمون نیز می‌توان چنین استنباط نمود که ۹۸ درصد از پاسخگویان موافقت خود را با سؤال فوق مطرح نموده و تنها ۲ درصد مخالف آن بوده‌اند.

آزمون کی دو تک نمونه‌ای برای بررسی فرضیه ۸:

داشتن فرزند از یک جنس عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می‌باشد

پراکندگی پاسخ‌ها	فراوانی مشاهده	سطح معناداری
پاسخ‌های موافق (p)	۹۱	۰/۰۰۰۱
پاسخ‌های مخالف (q)	۹	

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰۱ می‌باشد و این مقدار از سطح معناداری ۰/۰۵ کوچکتر است پس فرضیه فوق تایید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که: از دیدگاه بیش از نیمی از جامعه آماری داشتن فرزند از یک جنس عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می‌باشد. و با توجه به فراوانی مشاهده شده و درصد‌های بدست آمده در



این آزمون نیز می توان چنین استنباط نمود که ۹۱ درصد از پاسخگویان موافقت خود را با سؤال فوق مطرح نموده و تنها ۹ درصد مخالف آن بوده اند.

آزمون کی دو تک نمونه ای برای بررسی فرضیه ۹:

بیماری جسمی در زن عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد

پراکندگی پاسخ ها	فراوانی مشاهده	سطح معناداری
پاسخ های موافق (p)	۷۹	۰/۰۰۰۱
پاسخ های مخالف (q)	۲۱	

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰۱ می باشد و این مقدار از سطح معناداری ۰/۰۵ کوچکتر است پس فرضیه فوق تایید می شود و می توان نتیجه گرفت که: از دیدگاه بیش از نیمی از جامعه آماری بیماری جسمی در زن عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد. و با توجه به فراوانی مشاهده شده و درصد های بدست آمده در این آزمون نیز می توان چنین استنباط نمود که ۷۹ درصد از پاسخگویان موافقت خود را با سؤال فوق مطرح نموده و تنها ۲۱ درصد مخالف آن بوده اند.

آزمون کی دو تک نمونه ای برای بررسی فرضیه ۱۰:

نامناسب بودن شغل همسر عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد

پراکندگی پاسخ ها	فراوانی مشاهده	سطح معناداری
پاسخ های موافق (p)	۷۰	۰/۰۴
پاسخ های مخالف (q)	۳۰	

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری برابر با ۰/۰۹ می باشد و این مقدار از سطح معناداری ۰/۰۵ بزرگتر است پس فرضیه فوق رد می شود و می توان نتیجه گرفت که: از دیدگاه بیش از نیمی از جامعه آماری نامناسب بودن شغل همسر عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد. و با توجه به فراوانی مشاهده شده و درصد های بدست آمده در این آزمون نیز



می توان چنین استنباط نمود که ۷۰ درصد از پاسخگویان موافقت خود را با سؤال فوق مطرح نموده و ۳۰ درصد مخالف آن بوده اند.

آزمون کی دو تک نمونه ای برای بررسی فرضیه ۱۱:

اعتیاد همسر عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد

پراکنندگی پاسخ ها	فراوانی	مشاهده	سطح معناداری
پاسخ های موافق (p)	۶۷		۰/۰۴
پاسخ های مخالف (q)	۳۳		

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معناداری برابر با ۰/۰۹ می باشد و این مقدار از سطح معناداری ۰/۰۵ بزرگتر است پس فرضیه فوق رد می شود و می توان نتیجه گرفت که: از دیدگاه بیش از نیمی از جامعه آماری اعتیاد همسر عامل مؤثری در خشونت علیه زنان می باشد. و با توجه به فراوانی مشاهده شده و درصد های بدست آمده در این آزمون نیز می توان چنین استنباط نمود که ۶۷ درصد از پاسخگویان موافقت خود را با سؤال فوق مطرح نموده و ۳۳ درصد مخالف آن بوده اند.

نتیجه گیری

خشونت علیه زنان یکی از مشکلات اساسی بهداشت همگانی و حقوق بشر در جهان امروزی است. این پدیده جهانی در کلیه فرهنگها و طبقات اجتماعی بر میلیونها زن در سراسر جهان تاثیر می گذارد. خشونت و بدرفتاری علیه زنان عوارض جسمی و روحی متعددی دارد که از شایعترین آن عارضه روحی افسردگی و اضطراب را می توان نام برد مرگ بر اثر قتل توسط نزدیکان و یا خود کشی بر اثر بدرفتاری شدید از عوارض جدی این پدیده اند. از اثرات روحی غیر مستقیم خشونت می توان سردرد، درد و ناراحتی معده و سایر مسایل گوارشی را نام برد به علاوه خشونت می تواند سبب ایجاد شرایطی شود که به افزایش مشکلات سلامتی منجر گردد مثل از دست دادن موقعیت تحصیلی یا شغلی، فقر، سرخوردگی در زنان که بالطبع بر وضعیت سلامتی شان موثر است. پیامدهای جدی خشونت بر سلامت و تندرستی زنان و کودکان آنها ایجاب می نماید که در جهت پیشگیری سریع و محو آن اقدام شود.



منابع و ماخذ

۱. اعزازی، شهلا (۱۳۸۰) خشونت خانوادگی یا زنان کتک خورده، تهران: سالی
۲. افتخار، حسن و همکاران (۱۳۸۳) «ویژگی های فردی قربانیان همسر آزاری در مراجعین به مراکز سازمان پزشکی قانونی»، فصلنامه ی رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ی ۱۲
۳. آبوت، پلاما و کلر والاس (۱۳۸۰) جامعه شناسی زنان، ترجمه ی منیژه نجم عراقی، تهران: نی
۴. آقایی گلویی، عباس، آقاخانی، کامران، (۱۳۸۳)، بررسی پدیده ی همسر آزاری در شهر تهران سال ۱۳۷۹، مجموعه مقالات آسیب های اجتماعی، انتشارات آگاه، تهران
۵. بات، الیزابت (۱۳۷۳) «نقش های زناشویی و شبکه ی اجتماعی»، در: جامعه شناسی مدرن، پتروسلی، ترجمه ی حسن پویان، تهران: چاپخش
۶. باردار بر پیامد حاملگی در مراجعین به مراکز درمانی شهر کرج»، مجله ی پژوهی حکیم، دوره ی پانزدهم، شماره ۲
۷. بستان، حسین (۱۳۸۲) «کارکردهای خانواده از منظر اسلام و فمینیسم»، مجموعه مقالات حوزه و دانشگاه، سال نهم، شماره ی ۳۵
۸. درویش پور، مهرداد (۱۳۷۸) «چرا مردان به اعمال خشونت علیه زنان ترغیب می شوند؟»، مجله ی زنان، سال هشتم، شماره ی ۵۶
۹. ساعتچی، محمود (۱۳۷۷) نظریه پردازان و نظریه ها در روان شناسی، تهران: سخن
۱۰. شمس اسفندآبادی، حسن و سوزان امامی پور (۱۳۸۲) «بررسی میزان رواج همسر آزاری و عوامل موثر بر آن»، فصلنامه ی پژوهش زنان، شماره ی ۵
۱۱. عارفی: مرضیه (۱۳۸۲). «بررسی توصیفی خشونت خانگی علیه زنان در شهر ارومیه»، مطالعات زنان، سال اول، شماره ی ۲
۱۲. عزیزیان، رویا و ساروخانی، باقر (۱۳۸۰). «بررسی عوامل خشونت علیه زنان در مراجعه کنندگان به پزشکی قانونی تهران»، مجله ی دانشکده ی بهداشت و انستیتوی تحقیقات بهداشتی، جلد ۲، شماره ی ۳

۱۳. علیوردی نیا اکبر، محمد اسماعیل ریاحی و محمود فرهادی (۱۳۹۰)، «تحلیل اجتماعی خشونت شوهران علیه زنان: مدلی نظری و آزمونی»، مسائل اجتماعی ایران، سال دوم شماره ۲
۱۴. کار، مهرانگیز (۱۳۸۰) پژوهش درباره‌ی خشونت علیه زنان در ایران، تهران: روشنگران
۱۵. کلامی، فریناز (۱۳۷۸) بررسی عوامل موثر در زن آزاری در یکصد مورد مراجعه کننده به پزشکی قانونی تبریز، مجله دانشگاه علوم پزشکی تبریز، شماره ۷۲
۱۶. گرت، استفانی (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه‌ی کتابیون بقایی، تهران
۱۷. محبی، سیدفاطمه (۱۳۸۰)، «آسیب‌شناسی اجتماعی زنان»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال پنجم، شماره ۱۴
۱۸. معینی، سیدرضا و کاظمی، سودابه (۱۳۸۹). «تحلیل روان‌شناختی علل خشونت شوهران نسبت به زنان: (مطالعه موردی: منطقه‌ی ۶ تهران)»، تحقیقات روان‌شناختی، شماره‌ی ۲
۱۹. نازپرور، بشیر (۱۳۸۱) «همسر آزاری»، فصلنامه‌ی پژوهش زنان، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، شماره‌ی ۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

